

ماجرای عشق و عاشقی میدون

اگر راست می‌گویی راستش را بگو

● **پوریا عالمی:** دیدید ما ایرانی‌ها به در که می‌رسیم، می‌ترسیم؟ و اول سعی می‌کنیم یک نفر دیگر را بغرستیم از در رد بشود؟ این‌طوری است که ایرانی‌ها می‌رسند به در، برای گذشتن از در، شاید نیم‌ساعت طول بکشد که رد شوند.

حالا هم شده حکایت دستگاه‌های ما که هی به‌هم بفرما می‌زنند و می‌گویند اول شما حساب‌هایتان را شفاف کنید یا خرج‌های انتخاباتی‌تان را رو کنید.

خلاصه با این اوصاف، ما، یعنی میدون دوم، عاشق سوفیا، از بین همه رد شده و به در می‌زنیم و هزینه‌های انتخاباتی‌مان را افشا می‌کنیم: ماهی ۱۵ تومن هزینه اینترنت موبایل که تماما خرج لایک‌کردن عکس‌های اینستاگرام بابای سوفیا شده است (برای مشکوک‌نشدن، بنده صفحه بابای سوفیا را جای سوفیا فالو می‌کنم). به علاوه دایرکت‌دادن به شاخ‌های اینستاگرام و استمداد از آنان برای تک‌کردن بنده. کل این هزینه را ما از مادرمان می‌گیریم، مادرمان هم از پارانهاش برمی‌دارد و می‌دهد به ما و می‌گوید با باید خرج درمانت کنم، با خودت خرج عشقت کنی.

در ضمن ما خودمان هم حساب باز کرده‌ایم و الان عابر بانک داریم، ولی در این عابر بانک کلا ۶۰ هزار تومان نداریم و این ماه اگر قسمت بشود، موبایلمان هم قطع خواهد شد. می‌گویند نه، زنگ بزنی از مخابرات تفحص کنی.

این از سند شفافیت ما. حالا ما از همه می‌خواهیم بیابند وسط و بریزند بیرون هزینه‌هاشان را، و شفاف کنند قضیه را.

فرداگذرانی

● نمایشگاه طراحی جلد نرگس زبانی با عنوان «چهرگان»، از ۱۸ تا ۲۳ دی‌ماه در مؤسسه فرهنگی- هنری صبا، گالری لرزاده دایر است. زمان بازدید: ۱۰ صبح الی ۱۸. مکان: خیابان ولیعصر، خیابان طالقانی غربی، خیابان برادران مظفر، شماره ۱۲۵. «نرگس زبانی»، عضو رسمی انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران و طراح جلد نشر ققنوس، نشر کتاب نیستان و انتشارات امیرکبیر است.

سامسونگ Galaxy S7 edge



Now in Blue Coral

شترق روزنامه

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۱۹ دی ۱۳۹۵ • ۹ ربیع‌الثانی ۱۴۳۸ • ۸ ژانویه ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۷۷۱ • ۲۰ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۱۱ • اذان مغرب ۱۷:۲۸ • اذان صبح‌فردا ۵:۴۶ • طلوع آفتاب ۷:۱۵

روزنامه‌فردا

کارتون خواب

محمدرضا ثقفی

عباس آخوندی: با طرح مسکن مهر پول ملت را عملا به چاه ریخته‌اند



Galaxy S7 edge

آرمان دیرین بشر، رسیدن به نوعی جامعه صلح‌محور بوده است. انسان از دوره‌های تاریخی دور سعی کرده که اشکال مختلف خشونت را از درون خانه‌ها تا عمیق‌ترین لایه‌های اجتماع از میان ببرد یا آن را مهار کند و در جایی که چنین امکانی نداشته، دست به کنترل آن بزند.
بالین همه نمی‌شود از این موضوع چشم‌پوشید که هنوز، خشونت بیش از هر حوزه دیگری، در حوزه قدرت سیاسی تمرکز یافته و مهار آن به دلایل مختلف روزبه‌روز سخت‌تر می‌شود.

طولانی‌بودن عمر و آرزوی داشتن یک جهان بدون خشونت، نشان‌دهنده این واقعیت است

زیر آسمان شهر

اگرمن شهردار بودم

سیدمحسن هاشمی کارشناس فرهنگی

این یادداشت دغدغه‌های یک شهروند و البته با پیشینه مدیریت پایه چهارساله در عرصه شهرداری است. من اگر شهردار یک کلان‌شهر بودم، سه هدف را در راستای مأموریت «بهبود کیفیت زندگی شهری، جست‌وجو و دنبال می‌کردم.

به باور من شهر مجموعه‌ای از جمعیت انسانی در برج و بارو، اتوبان، آسمان‌خراش و مراکز عظیم تجاری نیست؛ شهر محلی است که در آن شهروند (و نه شهرنشین) دارای حقوقی معلوم و پرشگر زندگی می‌کند. کلان‌شهرهای امروز دنیا عمدتا با تراکم جمعیت، آسیب‌های اجتماعی ناشی از فقر و بی‌کاری، مسائل حمل‌ونقل عمومی و آلودگی هوا دست‌به‌گریباند. دنیای مدرن در نخستین گام این مجموعه مسائل و آسیب‌های زندگی شهری را در فرایند مدیریت یکپارچه شهر بازتعریف می‌کند.

تهران و سایر کلان‌شهرهای ایران امروز نخستین نیازمندی‌شان هوای پاک است. تأمین این نیازمندی دو سویه دارد؛ سویه نخست آن دولتمردان و مدیران شهری‌اند که موظف بوده‌اند برای این نخستین نیاز شهروندان با تنظیم مقررات بهنگام و برنامه‌ریزی و اجرای عملی آن برنامه‌ها اقدامات لازم را برای تأمین این کمینه نیاز آدمیان تدبیر کنند. برخلاف آنچه در این ۲۳ سالی که از حادبودن آلودگی هوای تهران گذشته همچنان مقامات مسئول دیگری را مقصر و مسبب می‌دانند، سوی دیگر این معادله، شهرونداند که با اندکی توسعه سواد شهروندی به معنای مطالبه‌گری و مسئولیت‌پذیری می‌توانند بخش زیادی از این نیاز (تأمین هوای پاک) را برآورده کنند، اما این سوی دوم نیز با بی‌توجهی به ضرورت داشتن حق هوای پاک و با زیاده‌خواهی در استفاده از خودروهای شخصی به‌ویژه تک‌سرنشین نه‌تنها گره بر گره کور آلودگی هوا می‌زنند، بلکه خیال مقامات را نیز در مطالبه‌گری این مهم راحت می‌کنند. وضع مقررات و عوارض سنگین استفاده از خودروهای آلاینده می‌تواند شهروندان را به برخورداری از وسایل حمل‌ونقل عمومی و استفاده از وسایل حمل‌ونقل کم‌آلاینده رهنمون شود.

من اگر شهردار می‌شدم، با تنظیم لایحه‌ای، الزامات تأمین هوای پاک را احصا می‌کردم و بر مدیریت واحدش پای می‌فشردم و از شورای شهر و مجلس و مجمع تشخیص مصلحت نظام یکپارچگی این امر را مجدانه طلب می‌کردم. آنگاه در اقدامات مدیریتی‌ام از توسعه سیری‌ناپذیر اتوبان‌ها و بزرگراه‌ها عدول کرده و بر مناسب‌سازی پیاده‌روها و پیاده‌راه‌ها و به‌کارگیری خودروهای دارای استانداردهای به‌روز زیست‌محیطی و موتورسیکلت‌های برقی غیرآلاینده با مشوق‌های کاهش عوارض و سود بازرگانی می‌کوشیدم تا مردم را به استفاده از آنها ترغیب کنم.

تأمین منابع مالی پایدار برای هزینه‌های کلان کلان‌شهرها دومین نیاز آنی است. برای پیش‌بینی و طراحی این منابع با به‌کارگیری پنج کارشناس و نظریه‌پرداز بلندپرواز جهان‌دیده می‌کوشیدم منابع جدید مالی را کشف و اختراع و آنگاه با اقناع قوای مقننه و نظارتی آنها را به‌قانون و تخلف‌ناپذیر کنم. به‌این‌ترتیب ناگزیر نخواهم شد که از محل فروش بلندمرتبه‌کی علاوه بر مسدودکردن ریه شهر، موجب تراکم ارتفاعی در کوچه‌های ۱۰ متری و کمتر از آن شوم. همچنین با آموزش مداوم شهروندان هزینه سنگین نظافت و حمل‌ونقل زباله‌ها را به سه نوبت در هفته تقلیل می‌دادم.

و سومین رویکردم اگر شهردار کلان‌شهری بودم اینکه دستگاه‌های دولتی، عمومی و هرآنچه نظارتی و مجوزی است را با تنظیم و تصویب قوانین و مقرراتی ملزم به پرداخت عوارض سنگین حمل‌ونقل شهری می‌کردم تا به گوهر دولت الکترونیک وفادار باشند تا مردم را از انجام ترده‌های بی‌حاصل ناشی از دریافت مجوزها و پاسخ‌گونیودن کارکنان آنها برهانم.



الهه کولایی

خشونت و جامعه‌ما

که انسان برای امنیت‌بخشیدن به سازوکار روابط انسانی و ایجاد شرایط مناسب برای رشد و شکوفایی استعدادهای خود و طرح‌ریزی روابط مبتنی‌بر احترام و حفظ حقوق انسانی راهی جز آن ندارد که به شکلی خشونت را کاسته یا مهار کند.

بالین‌همه بعد از گذشت یک قرن از تلاش‌هایی که در جهان برای مقابله با این پدیده صورت گرفته، هنوز شاهد آن هستیم که سطح انتظارات بسیاری از ما در داشتن جامعه‌ای امن و صلح‌مدار و عاری از خشونت برآورده نشده است.

این موضوع اگرچه سوبه‌ای جهانی دارد و بررسی و مذاقه در آن، نیازمند درک شرایط امروز جهان است، اما هرکدام از ما در جامعه کوچکی که در اطراف خود داریم نیز می‌توانیم نمونه‌هایی از خشونت را ببینیم، شنیدن اخبار تلخی درباره وضعیت اداره کلان‌شهرها و نوع برخورد با شهروندان، شنیدن

نامه

نامه جواد مجابی به کیهان کلهر

کمانچه مویه‌گر را به شاه‌کمان گفت‌وگوگر بدل کردید



آقای کیهان کلهر!

شما را عزیز می‌دارم، چون با شهامت آگاهانه، توانسته‌اید از سلطه چندین قرن شعر و آواز بر سازنوازی ایرانی، برکنار بمانید و طنین عزت و استقلال ساز ایرانی را به اعتبار نوای خودش نه زیر مجموعه آوای انسانی، به گوش ما برسانید.

اینگونه کنسرت‌ها، دری تازه به روی موسیقی ملی ما می‌گشاید و بیشتر و بهتر ما را با جهان پیوند می‌دهد. عزیز من هستمید چون با ساز خود، روایتی درست از دوران ما، خاصه روزگار کنونی ایرانیان می‌دهید. کمانچه مویه‌گر را شما به شاه‌کمان گفت‌وگوگر بدل کرده‌اید. با ساز خود از حماسه‌های تراژیک قوم کرد می‌گویید و همان آن نوای ظریف‌ترین حس‌های زخم‌خورده و خجسته‌ترین ترمیم‌شادکامی آدمی، تقلا ی مردم تاریخی را در رویارویی با فاجعه و متحکمه زیست- مرگ، فرواقطادن و برآمدن سرگذشت‌های فردی و جمعی، روایت ناکامی و کامروایی اقوام دیگر ایرانی را به گوش می‌رسانید. محصول شناسا عارفانه مدرنی، که هنرمند از جامعه‌اش دارد.

زم‌زمه رخوت‌انگیز نداشت و لالایی خواب‌کردار نمی‌گویند، حس‌وخیال خود را با رساترین نوا و نغمه به فریاد می‌گویند، در شنیدن ساز شما من فقط امپرسیون ظریف استادانه بازی‌های صدا و سکوت را نشنیدم بلکه خروش جان آدمی را در حالتی اکسپرسیونیستی حس کرده‌ام که هيجان آفرینش بداهه‌وارش را با نیرومندترین ظریفی آوایی به ادراک ملتهب مخاطب پرتاب می‌کند. در خیابا ساز پرشور شما، لحظه‌ای ظریف‌ترین نغمه عاشقانه جاری است و در لحظه دیگر، بی‌فاصله‌ای چندان، آرشه جادویی شما جانسوزترین مصیبت را یازتاب می‌دهد و این بازی با حالات متفاوت از سر گرفته می‌شود. آرشه می‌غلطد نرم از عشق به مرگ، از اندوه به شادی، از بازیکوشی ملودی‌ها به متانت یک روایت ناگفتنی، و باز غلطان غلطان می‌رویم از حالی به حالی دیگرگون و نمی‌گذاری در این سفر پر از شنیدنی دمی بیاسایم و از همین‌روست که ساز شما جای شعر و آواز را پر کرده؛ چون مانند شعر با هر کلمه‌اش ما را به سیری متفاوت می‌کشاند. شما با ساز تنها، شعری ناسروندی را بیان‌پذیر کرده‌اید. آواز نخوانده‌تان، از زبان ساز، پیامی روشن دارد.

شما را عزیز می‌دارم که در ایران و در دنیا با ساز خود هنر و فرهنگ ایران را به شایستگی نمایندگی کرده‌اید جز در سبزوآر، «غزل»‌های سه‌گانه شما را شنیده‌ایم، این تغزل، ظرفیت تازه یک ساز بازیراسته را در آزمونی کاشفانه، نشان داد. در «نخستین دیدار بامدادی»، شور بداهه‌نوازی نوازنده بر محدودیت ظرفیت کمانچه غلبه کرد. کنسرت «در آینه آسمان» در تلاقی دو ساز آیینی تنبور (علی اکبر مرادی) و کمانچه (کلهر) _ به قول درویشی _ دو سنت موسیقایی به هم نزدیک و واحدی یگانه شدند و سفری آرمانی را به انجام رساندند: سفری به مرز انتزاع. تنبور و کمانچه کنسرت «باران»، کار مشترک

شما را عزیز می‌دارم که در ایران و در دنیا با ساز خود هنر و فرهنگ ایران را به شایستگی نمایندگی کرده‌اید جز در سبزوآر، «غزل»‌های سه‌گانه شما را شنیده‌ایم، این تغزل، ظرفیت تازه یک ساز بازیراسته را در آزمونی کاشفانه، نشان داد. در «نخستین دیدار بامدادی»، شور بداهه‌نوازی نوازنده بر محدودیت ظرفیت کمانچه غلبه کرد. کنسرت «در آینه آسمان» در تلاقی دو ساز آیینی تنبور (علی اکبر مرادی) و کمانچه (کلهر) _ به قول درویشی _ دو سنت موسیقایی به هم نزدیک و واحدی یگانه شدند و سفری آرمانی را به انجام رساندند: سفری به مرز انتزاع. تنبور و کمانچه کنسرت «باران»، کار مشترک

در ادامه درسگفتارهای مؤسسه مطالعات سیاسی- اقتصادی پرسش و در هفته سوم دی‌ماه، دو درسگفتار آغاز خواهد شد. مراد فرهادپور از روز یکشنبه ۱۹ دی ساعت ۱۷:۳۰ درسگفتار «جنش ماتم: هگل و انقلاب فرانسه (۲)» را آغاز خواهد کرد.

این درسگفتار که براساس کتاب مهم و کلاسیک ربکا کامی با همین عنوان شکل گرفته، به بررسی سیر تطور ایده‌آلیسم آلمانی و مواجهه هگل با انقلاب فرانسه اختصاص دارد. همچنین ابوالفضل دلاوری از روز چهارشنبه، ۲۲ دی ساعت ۱۷:۳۰ درسگفتار «تاخر تاریخی و خشونت در جهان امروز» را آغاز خواهد کرد. دلاوری در

درددل خانواده‌هایی که قربانی خشونت‌های خانگی بی‌صدا هستند، وضعیت شرایط نگران‌کننده‌ای که رسانه‌ها به‌عنوان یکی از نمادهای جامعه‌ای آزاد و متمدن در کشور دارند و... همه‌وهمه گواه این واقعیت است که خشونت همچنان در جامعه حضوری انکارنشدنی دارد. از سوی دیگر امروز جهان در شرایطی است که با رشد تکنولوژی‌های ارتباطی، نابرابری‌ها، بی‌عدالتی‌ها و محرومیت‌ها به اشکال مختلف خود را به نمایش می‌گذارد تا جایی که این باور مطرح شده که جهانی‌شدن، به خودی‌خود انسان معاصر را در معرض آسیب‌ها، تهدیدات و حتی خشونت‌های تازه‌ای قرار داده و برای مقابله با آن باید به سمت راهکارهایی تازه رفت و تلاش گروه‌های مختلف برای دسترسی بیشتر به عدالت اجتماعی و حقوق انسانی را به شکل‌های نوین دریافت و از آنها برای بهبود شرایط جامعه بهره برد.

دردل خانواده‌هایی که قربانی خشونت‌های خانگی بی‌صدا هستند، وضعیت شرایط مناسب برای رشد و شکوفایی استعدادهای خود و طرح‌ریزی روابط مبتنی‌بر احترام و حفظ حقوق انسانی راهی جز آن ندارد که به شکلی خشونت را کاسته یا مهار کند.
بالین‌همه بعد از گذشت یک قرن از تلاش‌هایی که در جهان برای مقابله با این پدیده صورت گرفته، هنوز شاهد آن هستیم که سطح انتظارات بسیاری از ما در داشتن جامعه‌ای امن و صلح‌مدار و عاری از خشونت برآورده نشده است.
این موضوع اگرچه سوبه‌ای جهانی دارد و بررسی و مذاقه در آن، نیازمند درک شرایط امروز جهان است، اما هرکدام از ما در جامعه کوچکی که در اطراف خود داریم نیز می‌توانیم نمونه‌هایی از خشونت را ببینیم، شنیدن اخبار تلخی درباره وضعیت اداره کلان‌شهرها و نوع برخورد با شهروندان، شنیدن

طولانی‌بودن عمر و آرزوی داشتن یک جهان بدون خشونت، نشان‌دهنده این واقعیت است

شما را عزیز می‌دارم، چون با شهامت آگاهانه، توانسته‌اید از سلطه چندین قرن شعر و آواز بر سازنوازی ایرانی، برکنار بمانید و طنین عزت و استقلال ساز ایرانی را به اعتبار نوای خودش نه زیر مجموعه آوای انسانی، به گوش ما برسانید.

اینگونه کنسرت‌ها، دری تازه به روی موسیقی ملی ما می‌گشاید و بیشتر و بهتر ما را با جهان پیوند می‌دهد. عزیز من هستمید چون با ساز خود، روایتی درست از دوران ما، خاصه روزگار کنونی ایرانیان می‌دهید. کمانچه مویه‌گر را شما به شاه‌کمان گفت‌وگوگر بدل کرده‌اید. با ساز خود از حماسه‌های تراژیک قوم کرد می‌گویید و همان آن نوای ظریف‌ترین حس‌های زخم‌خورده و خجسته‌ترین ترمیم‌شادکامی آدمی، تقلا ی مردم تاریخی را در رویارویی با فاجعه و متحکمه زیست- مرگ، فرواقطادن و برآمدن سرگذشت‌های فردی و جمعی، روایت ناکامی و کامروایی اقوام دیگر ایرانی را به گوش می‌رسانید. محصول شناسا عارفانه مدرنی، که هنرمند از جامعه‌اش دارد.

شما و شجاعت علی‌خان پس از تجربه‌های آغازین و موفق جشن هنر، هم‌نوایی موسیقی ایران و هند را میسر ساخت و ریشه‌های مشترک موسیقایی این دو قلمرو را بیش از پیش آشکاره کرد. البته همکاری مغنتم دو نوازنده جردبست مستقل علی‌زاده و کلهر با استاد شجریان در کنسرت‌هایی مثل «ساز خاموش» و مانند آن، جلوه‌ای از موسیقی پرتوان امروز را به نمایش گذاشت که هماهنگی سازآواز را با حریم مستقل هریک، می‌شد حس کرد و لذتی برد از کمال موسیقی‌سازی و موسیقی آوازی در عصر ما، با توقع بالایی که در جامعه جوان ما برای حسب حال امروزین، پدید آمده است.

عزیز همه هستمید چون باران هنرمند خود را عزیز می‌دارید. بیماری خودشیفتگی و توهم استادپنداری بسیار کسان در شما نیست در مجلس: پردگیان باغ سکوت «تالار رودکی دیدم که چگونه با ملاطفت به دوستان جوان خود فرصت دادید که پیش از شما حتا بیش از شما بنوازند و با این رفتار، علی‌بهرامی‌فرد (سار دیگر) مجال یافت مهارت کم‌نظیرش را در نواختن سنتور نشان دهد. با انصاف و اعتدال یک استاد در هم‌نوازی با او، به دیالوگی کمال‌گرا رسیدید و نشان دادید که بر صحنه، اجرای موسیقی عالی مطرح است، نه مطرح‌کردن موقعیت نوازنده‌ها و این رفتاری دموکراتیک و کمیاب است. همین رفتار دوستانه را با تبتک‌نواز پرشور (نوید افقه) داشتید، نام شما سایه نینداخت روی سه نوازنده دیگر، بلکه شما با چیش دقیق قطعات و وقت متصفانه برای هر هنرمند بر کار باران خود روشنی لازم انداختید. چون اطمینان داشتید شنونده هوشمند امروزی هر کسی را در جایگاه خود بازمی‌شناسد و نیازی به سلطه‌گری در عرصه هنر و فرهنگ نیست.

شما را دوست می‌دارم و ستایش می‌کنم چون فطرتی خلاق و مهارتی بی‌نظیر در نوازندگی و عمری شیفتگی و غوطه‌وری در هنر ایرانی و جهانی، شما را در جایگاه یک موسیقی‌دان جهانی قرار داده که فراتر از جوایز هنری مرسوم، محبوب دل‌ها شده‌اید. نام شما با نام ایران قرین شده است، همان‌گونه که نام شجریان و علیزاده و مانند ایشان، در روایتی کهن خواندم: نوای نی _ و اینجا موسیقی _ برای اهل نظر دری می‌گشاید به بهشت، گرانجانی گفت: ما شنیدیم و دری به بهشت باز نشد، پاسخ شنید: تا نو آمدی در بسته شد.

موسیقی و سینما مردمی‌ترین رسانه‌های هنری‌اند و مخاطبان میلیونی دارند. ظرفیت این جاذبه عظیم تاکنون _ به دلایل مشهود _ آشکار نشده است. این موتور که در حال توقف کار می‌کرده زودا که ماشین را به راه خواهد انداخت. مردم نشان داده‌اند که از فرهادی و کلهر همان‌قدر پرشور استقبال می‌کنند که به استادان پیش از آنها چون کیارستمی و شجریان ارج نهاده‌اند. ماشین که به راه افتاد هیچ افقی را برای فتح دور نمی‌بیند و این روزگار پرشتاب، آمدنی است.

پیشنهاد

این درسگفتار درصدد است تا بنیان خشونت افسارگسیخته در جهان امروز را از خلال واکاوی تاریخی و اندیشه‌ای بررسی و با ملاک قراردادن برخی مصادیق خشونت در عصر ما همچون داعش، القاعده و تروریسم، شمایی کلی از مفهوم خشونت در جهان امروز ارائه کند.

این علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر و شرکت در این درسگفتارها می‌توانند با شماره‌های روابطعمومی مؤسسه پرسش ۰۲۱۰۸۸۸۲۲۱۰- ۰۲۱۰۸۸۸۳۷۶۴۷ تماس گرفته یا به وب‌سایت qporsesh.com مراجعه کنند. مؤسسه پرسش در خیابان قائم‌مقام قهرانی- پایین‌تر از خیابان استاد مطهری- کوچه شبنم- پ ۳۳ واقع شده است.